

## تحلیل مفهومی عکاسی‌های صمد قربان‌زاده بر مبنای آرای فروید

فیروزه شببانی رضوانی

استادیار گروه هنر، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامشهر، ایران.

sheibani@iiiau.ac.ir

این پژوهش می‌کوشد بر مبنای مفاهیم و آرای برگرفته از روانشناسی فروید چهار اثر منتخب از آثار عکاسی صمد قربان‌زاده عکاس معاصر ایران را مورد واکاوی و تدقیق قرار دهد. روش این پژوهش به صورت کیفی است که بر مبنای مفاهیم روانشناسی فروید به توصیف و تحلیل موردی اثر هنری مبتنی بر داده‌های برآمده از اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌پردازد. علت انتخاب آثار صمد قربان‌زاده رویکرد سورئالیسم ایشان در عکاسی است که با تکیه به مفاهیمی چون ضمیر ناخودآگاه، رؤیا، ساز و کار دفاعی در رویکرد روانشناختی فروید به صورت دلالت‌های نمادین توانش خوانش و تحلیل دارد. اگرچه تحلیل روانشناختی معضلات و مشکلات را به فرد و خصوصیات و ویژگی‌هایش فروکاهش می‌دهد، اما از آن‌رو اهمیت دارد که در نهایت به دنبال تبیین ساخت‌های اجتماعی پیش می‌رود. این آثار ملهم از موضوعاتی چون تنهایی، بی‌هویتی، از دست رفتن ایمان و در نهایت مرگ است که به نحوی انسان و جوامع را درگیر کرده و ماهیت وجودی انسان در نظام امروزی جهان به چالش می‌کشد. در خوانش روانشناسی از آثار مورد نظر، مخاطب ضمن تجربه تازه از مواجهه با اثر هنری، به درک و شناخت درونمایه اثر و ارتباط نمادین عناصر هنری با آسیب‌های فردی و جمعی دست می‌یابد.

واژگان کلیدی: تحلیل مفهومی، زیگموند فروید، سورئالیسم، صمد قربان‌زاده، عکاسی.

## ۱. مقدمه

آثار صمد قربانزاده را می‌توان تحت تاثیر جریان هنری سوررئالیسم و در ردهٔ عکاسی سورئال قرار داد. به‌طور کلی روش‌های متأثر از سوررئالیسم، اثر هنری را به مفاهیم فرویدی چون بحث رؤیا و ناخودآگاه نزدیک می‌کند. عکاسی‌های قربانزاده با تکنیک فتومونتاژ<sup>۱</sup> کار شده است. مطالعهٔ این آثار جهت درک آسیب‌های اجتماعی موجود در زندگی معاصر و شناخت لایه‌های زندگی فردی، توانش نقد روانشناسی را فراهم می‌کند. روانشناسی هنر می‌تواند پیدایش یک اثر را از طریق زندگی‌نامه و تجربهٔ زیسته هنرمند بازسازی کرده و همچنین می‌تواند به بررسی عناصری از گذشته، چون ضمیر ناخودآگاه و حتی رؤیاهای هنرمند بپردازد. این پژوهش می‌کوشد تا با اهتمام به بخشی از برنامهٔ روانشناسی فروید و با تأکید بر مفاهیم و آرای او به رمزگشایی مفاهیم و نمادهای بازتاب یافته از آسیب‌های فردی و اجتماعی در اثر هنری پرداخته و به دلالت‌های تازه در آثار هنری منتخب دست یابد. در این مطالعه آن بخش از برنامه روانشناسی فروید مطرح است که می‌توان آن‌ها را در افکار و دیدگاه‌های جریان سوررئالیسم مشاهده نمود. دیدگاه‌هایی که شروع جنبش سوررئالیسم را در سال ۱۹۲۴ توسط آندره برتون<sup>۲</sup> رقم زد.

چهار اثر عکاسی منتخب از دو مجموعهٔ خواب روزانه و موقعیت منجمد از آثار صمد قربانزاده شامل عناصر خیالی و فضایی ماورائی است، که با کنکاش در لایه‌های پنهان آن می‌توان به‌طور مفروض با تکیه بر مفاهیمی چون ناخودآگاه، رؤیا و ساز و کار دفاعی<sup>۳</sup> در برابر تنش‌های بیرونی اثر را واکاوی کرد. «مطالعه اثر هنری به عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی می‌تواند راهگشای متفکران و پژوهشگران علوم اجتماعی در فهم حیات اجتماعی روزگار خود باشد. حوزه‌ای که متفکران آن تلاش دارند تا آنچه

---

۱. فتومونتاژ یعنی فن دستکاری تصاویر عکاسی و چسباندن عکس‌های مختلف به انتخاب و سلیقه طراح در کنار یکدیگر و تا حدودی روی هم تا ایجاد هم‌جواری‌های ناهماهنگ و آمیزش‌های تصادفی پیام یا منظور را منتقل کند.

2. André Breton

3. Defense mechanism

را که ساخته تخیل است در حیطه آگاهی بشر از واقعیت جای دهند.» (دوونینو، ۱۳۹۷، ص ۶) در اینجا نقد روانکاوانه از طریق تفسیر مفاهیم و عناصر نمادین، و تبیین متن تصویری به مخاطب امکان می‌دهد تا درکی تازه و پربار از مواجهه خود با اثر هنری پیدا کرده و معضلات فردی انسان را که در جامعه منجر به معضل و آسیب‌های اجتماعی می‌شود را شناخته و بدنبال راه برون رفت از آن برآید. به این ترتیب پژوهش حاضر در پی پاسخ دادن به سوالات زیر برمی‌آید:

- بطور اجمالی آرای فروید در باب مباحثی چون ضمیر ناخودآگاه، رؤیا، ساز و کار دفاعی چیست؟
- عناصر و نمادهای موجود در آثار صمد قربان‌زاده بر مبنای مفاهیم فوق را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟

## ۲. پیشینه پژوهش

مقالات گوناگونی در حیطه روانکاوی هنر متکی بر آرای فروید صورت گرفته است. اما در خصوص تحلیل آثار تجسمی و به ویژه عکاسی فتومونتاژ معاصر در ایران از منظر فروید، پژوهشی کامل و جامع صورت نگرفته است که این خود دلیلی بر ضرورت انجام این تحقیق است. شاید بتوان نزدیک‌ترین تحقیق به این پژوهش را مقاله‌ای با عنوان «سورنالیسم و تأثیر آن در آثار کافکا» نوشته گلاره مقدم و فردوس حاجیان در مجله کتاب صحنه زمستان ۱۳۹۲ شماره ۹۵ معرفی کرد. در این مقاله ویژگی‌های سورنالیسم همچون طنز، امر شگفت و خارق العاده، نگارش خودکار، خواب و رؤیا، تصادف عینی، اشیاء سورنالیستی و... در آثار منتخب ادبی کافکا بررسی شده است.

## ۳. زیگموند فروید و علم روانکاوی

زیگموند فروید ۱۸۵۶-۱۹۳۹ عصب‌شناس برجسته اتریشی و بنیانگذار دانش روانکاوی شناخته شده است. روانکاوی شامل کلیت نظام روانشناسی است که فروید به تدریج توسعه داد، ضمن آنکه او در زمینه روان رنجوری و سایر اختلالات روانی نیز کار می‌کرد. درمان روانکاوانه با نظریه‌هایی راجع به ناخودآگاه و راه‌های تعامل آن با ذهن خودآگاه سرو کار دارد (اسنودن، ۱۴۰۱، ص ۱۰). روانکاوی یکی از تدابیر موثر و پویا به شمار می‌آید که فراخور حال جامعه پرتلاطم امروزی است و از روش

ساده پالایش روانی<sup>۱</sup> تا تداعی آزاد افکار در جهت کاستن از فشارهای روزافزون عصبی نقش اساسی ایفا می‌کند. روانکاوی عبارت است از اقدام به ترجمه گفتار و بیان بیمار مطابق با قواعدی در خصوص معانی، انگیزه‌ها و ساختارهای افکار ( فروید، ۱۴۰۰، ص ۹). روانکاوی فروید شامل مباحثی چون سطوح و اجزای شخصیت، ضمیر ناخودآگاه، رؤیا، سازو کار دفاعی است که این پژوهش در ارتباط با تحلیل مفاهیم در آثار مورد نظر بر آن تأکید دارد.

### ۱-۳. سطوح و اجزای شخصیت

سه سطح خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه آبرداشت اولیه فروید از تقسیم‌بندی شخصیت است. سطح خودآگاه همچنان که از واژه آن پیداست آگاهی فرد را از تمامی احساس‌ها و تجربیات فرد در لحظه خاص توضیح می‌دهد. از نظر فروید سطح خودآگاه را به عنوان بخش محدودی از شخصیت می‌توان در نظر گرفت. در منابع مختلف معروف است که فروید ذهن را به کوه یخی تشبیه کرده که خودآگاه تنها بخش کوچک بالای سطح آب است؛ یعنی فقط نوک کوه یخ. در واقع بخش مهمتر شخصیت از نظر فروید، ناخودآگاه است که قسمت بزرگتر و نادیدنی زیر آب است. نظریات و مباحث روانکاوی بر این سطح ناخودآگاه تأکید دارد. ناخودآگاه نیروی محرک مهمی در پس‌اعمال و رفتارهای انسانی است، و منبع آن نیروهای سوق دهنده‌ای است که از نظر پنهان و غیر قابل کنترل است. سطح نیمه خودآگاه از شخصیت، مابین دو سطح فوق قرار دارد. جایی که خاطرات، ادراک‌ها و افکار انسان به صورت آگاهانه در لحظه وجود ندارد؛ ولی نیمه خودآگاه را به راحتی می‌توان به سطح هشیاری انتقال داد (شولتز و دیگران، ۱۴۰۲، صص ۸۲-۸۳).

در سال ۱۹۲۲ فروید الگوی تازه‌ای از ذهن ارائه داد. این الگو کوششی بود در توصیف کل نظام ذهن که توضیح چگونگی کارکرد آن و انگیزه‌ها و محرک‌های اصلی آن را بیان داشت. این الگو شامل سه بخش نهاد، خود، فراخود<sup>۳</sup> می‌شود. بدیهی است که این موارد بخش‌های مغز نیستند. بلکه فقط به عنوان نماینده جنبه‌های گوناگونی از شیوه تفکر ما مطرح می‌شوند، که در مورد جدال

1. Catharsis

2. Self-conscious, semi-conscious, unconscious

3. Id, Ego, SuperEgo

آشکار بین سطوح مختلف خودآگاهی توضیح می‌دهند. نهاد کهن‌ترین این بخش‌ها یا نمایندگی‌های روانی را شامل می‌شود. نهاد هر چیزی است که از بدو تولد در سرشت انسان نهاده شده است (فروید، ۱۴۰۱، صص ۵-۱۰).

بر اساس نظر فروید در کتاب *روانشناسی تحلیلی*، این سه بخش نهاد، خود، فراخود در شخصیت انسان سالم به صورت نظامی یکپارچه و هماهنگ عمل می‌کند و شکل هماهنگی و نظام یافته این سه بخش، موجب می‌شود شخص سالم در روابط میان فردی ارتباطات مؤثر و رضایت بخش داشته باشد. اهمیت این روابط در جهت تحقق نیازهای ضروری فرد، و سوانق و آرزوهای اوست. در تقابل اگر این سه بخش از شخصیت مغایر با بخش دیگر باشد، فرد مورد نظر از نظر اجتماعی ناسازگار تلقی می‌شود. چنین شخصی از خود و دنیا ناراضی است و عملکرد او برای انجام امور و حل مسائل کاهش خواهد یافت.

## ۲-۳. ناخودآگاه

فروید معتقد بود بسیاری از امور بی‌دلیل و توضیح‌ناپذیر دارای دلیل و توضیح پذیرند. در واقع بخش عمده‌ای از رفتار ما علل ناخودآگاه دارند. از نظر او ناخودآگاه شامل تمام امیال سرکوب شده‌ای است که در اختیار ذهن آگاه نیست و درک محتویات ناخودآگاه با تفکر خودآگاه غیرممکن است (اسنودن، ۱۴۰۱، ص ۷۱).

فروید با روش تجربی و علمی ثابت نمود که ناخودآگاه اساس و محرک اصلی و شعور ظاهر ما را تشکیل می‌دهد و در مقابل آن خودآگاه تنها بخش کوچکی از این دنیای بزرگ شخصیت انسان است. فروید دو نوع ناخودآگاه را معرفی می‌کند: یکی آن که به صورت پنهانی امکان بروز در سطح خودآگاه دارد، و دیگری آن که سرکوب شده و به‌طور معمول قابلیت بروز در خودآگاه را ندارد (فروید، ۱۳۹۴، ص ۱۶).

فروید دریافت که رؤیا یکی از راه‌هایی است که می‌توان به‌وسیله آن به‌طور غیرمستقیم به ناخودآگاه دسترسی یافت.

مشاهدات روانکاوی نشان می‌دهد، در عالم رؤیا، افراد به نوعی تشویش و به هم ریختگی دچار شده و سپس از خواب بیدار می‌شوند. در واقع خواب‌سازی قدم اول از یک پروسه پنهان تغییر و تبدیل احساسات در دستگاه روانی است که توسط فرد کشف می‌شود. پروسه‌های دیگری از انتقال و تبدیل انرژی روانی وجود دارند؛ علائمی مانند اضطراب، وسواس و توهم و اوهام و الخ که در پروسه‌های علائم روانی فوق باعث بروز نشانه‌های شبیه به «روان‌رنجوری»<sup>۱</sup> می‌شوند. ولی اصلاح و دستکاری برای یک نمایش بصری خاص کار خواب‌سازی است. اشتباه گرفتن موضوعات و تعداد قابل ملاحظه‌ای از خطاها، سرچشمه رخ دادن آنها شبیه به همانی است که در خواب اتفاق می‌افتد و نیز در اختلالات روحی ذکر شده دیده می‌شود (ص ۶۴).

### ۳-۳. رؤیا و نمادهای آن

رؤیای روز در برابر رؤیا در شب یکی از مفاهیم مورد مطالعه فروید است. به اعتقاد او در خیال‌پردازی‌های افراد بالغ که شکل بازی به خود می‌گیرد، همان رؤیایی که در روز اتفاق می‌افتد. رؤیای روز بر خلاف رؤیای شب به مخاطرات ورود نمی‌کند و تنها خوشایندی‌ها را برمی‌گزیند. رانه یا آنچه که خیال‌پردازی را به حرکت وامی‌دارد، بخشی از شوق و خواست‌های ارضاء نشده و سرکوب شده است، هر چند که این محرک‌ها بنا به جنسیت، تربیت و موقعیت‌های اشخاص تفاوت می‌کند. به نظر فروید این محرک‌ها در کل به دو دسته هستند: دسته ابتدایی خواست‌های بلند پروازانه که موجب تعالی شخصیت فردی است؛ و دسته دیگر امیال اروتیک هستند. در مجموع امکان خیال‌پردازی برای افراد و به عبارت دیگر رؤیای روز زمانمند و محدود هستند (مدر، ۱۴۰۲، صص ۱۵-۲۵).

سرچشمه خیالی که امروز صورت می‌پذیرد، به گذشته ارجاع دارد. همچنان که خیال‌پردازی‌های امروز که همان رؤیای روز است، وضعیتی را می‌سازد که به آینده مربوط می‌شود، آینده‌ای که آرزو و خواست فردی محقق می‌شود. از منظر فروید رؤیاهای شبانه یعنی خواب‌های ما نیز متأثر از اشتیاق‌هایی است که به گذشته افراد ارجاع داشته و همچنان فرد آرزومند تحقق آن‌ها در آینده است. در رؤیاهای شبانه، نشانه به گونه‌ای نمادین در کنار هم قرار دارند و دلالت‌هایی ویژه می‌باشد. معنای کلی آن بیش تر

از رؤیای شبانه جنبه آگاهانه دارد. کار نویسنده و هنرمند به کار آفریننده‌ای رؤیا همانند است (ص ۳۵). در واقع خیالبافی راه بازگشت به سوی واقعیت دارد و آن راه هنر است. هنرمند نیز گرایشی درون‌گرایانه دارد و فاصله زیادی با نوروتیک شدن ندارد (ماتسن تامسون، ۱۳۹۲، ص ۱۷۳).

از منظر فروید نمادهای رؤیا در برخی شرایط انسان را قادر می‌سازند که شخصیت رؤیابین، شرایط زندگی وی و تاثیراتی را که پیش از وقوع رؤیا در ذهن او بوده تحلیل و شناسایی کرده، و در موقعیتی تفسیر رؤیا قرار بگیریم. تحلیل نمادهای رؤیا مهم‌ترین بخش از نظریه فروید در تفسیر اثر هنری است.

فروید پس از کتاب *تاویل رؤیاها* که در نخستین سال سده بیستم به چاپ رسید کشف کرد که تحلیل مفهومی هر نماد به معناهای ضمنی، فرعی و به ظاهر بی‌اهمیتی ارجاع دارد و با دلالت مستقیم و سراسر قابل تفسیر نیست. از منظر فروید رؤیاها، زبان‌های نمادینی را صورت می‌بخشند که واقعیت‌های پنهان در شخصیت افراد را تبیین کرده و این بر خلاف واقعیت‌های صریحی است که در مواجهه نخست با افراد شکل می‌گیرد.

#### ۳-۴. ساز و کار دفاعی

عموم مردم تصور می‌کنند که خواسته‌ها و امیال سرکوب شده پس از گذشت زمان از یاد و خاطر زدوده می‌شوند، اما از منظر فروید به طور معمول خواسته‌ها و امیال انسانی از بین نمی‌روند، بلکه تنها برای مدت کوتاهی و در ضمیر ناخودآگاه محبوس شده تا در هنگام ضرورت، به سطح خودآگاه نفوذ کرده و در مواجهات و رفتارهای فرد تاثیر بگذارد. با توجه به ویژگی سطح ناخودآگاه، خواسته‌ها و افکار گذشته همواره در ناخودآگاه باقی است. تنها برخی از خاطرات و افکار به دلیل تلخی و آزار دهنده بودن به طور موقت فراموش می‌شوند. این شکل از سرکوب همیشه به طور کامل صورت نمی‌پذیرد و برخی عناصر و نشانه‌ها از خاطرات تلخ در خودآگاه قابل یادآوری است. در چنین شرایطی احساسات مبهم، پوچ، عذاب وجدان و حس ناامنی و گناه که نتیجه سرکوب ناقص از وقایع تلخ است، در شخص ایجاد شده و دخالت مداوم این افکار در رؤیاها امکان بروز و ظهور

پیدا می‌کند. به عبارت دیگر امیالِ عقب‌رانده شده از طریق سازو کارهای دفاعی می‌توانند ارضاء شوند (فروید، ۱۴۰۰، ص ۲۰).

به اعتقاد فروید روان انسان برای رهایی از بحران‌ها و فشارهای روانی می‌کوشد تا از ابزارهایی که در اختیار دارد بهره‌جسته و به مدد این ابزارها که همان ساز و کار دفاعی نام دارند از آشفته‌گی روانی فرار کند. بررسی چنین سازو کارهای، دلایل برخی رفتارها و گفتارها را در اشخاص مشخص می‌سازد؛ و در اثر هنری به صورت بازتاب شرایط فردی و شرایط اجتماعی هنرمند قابل رمزگشایی و تحلیل مفهومی است. «سازو کارهای دفاعی خود واقعیت را در سطح ناهوشیار انکار می‌کند. اگرچه استفاده آگاهانه از سازو کارهای دفاعی می‌تواند در کاهش فشارهای روانی ارزشمند باشد، ولی استفاده زیاد از آن موجب جدایی فرد از واقعیت موجود خواهد بود.» (شارف، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

از طبقه‌بندی سازو کارهای دفاعی تلاش‌های چشمگیری صورت گرفته که نتایج یکسانی را در بر نداشته است. سیموندر<sup>۱</sup> بر اساس نوع فعالیت، این سازو کارها را به چهار گروه تقسیم کرده است. بر اساس نوع فعالیت که البته چندان دقیق نیست (به این دلیل که از نظر رفتاری مشابهند و ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند)، و شاید فرد در یک لحظه از سازو کارهای دفاعی مختلفی استفاده کند. با اینحال می‌توان این چهار گروه را به صورت زیر خلاصه کرد. فعالیت‌هایی چون: جلوگیری از افشای خواسته‌ها؛ ممانعت از ایجاد شرایط تحریک‌کننده؛ مخفی ساختن و از بین بردن؛ دگرگون ساختن نوع ایجاد این خواسته‌ها. متناظر با این چهار گروه فعالیت فوق، چهار نوع سازو کار دفاعی مطرح است: سرکوب؛ توهمات، ترس، انکار، فراموشی؛ جایگزینی، درون‌فکنی، شبیه‌سازی، توجیه؛ و تصعید، واکنش، جبران (ص ۱۴).

### ۵-۳. جریان هنری سورئالیسم

همزمان با گسترش سریع آموزه‌های روانشناسی فروید، جریان هنری سورئالیسم در فرانسه ظهور کرد. آندره برتون و لویی آراگون<sup>۲</sup> از رهبران جریان سورئالیسم و هر دو روانپزشک و روانکاو بودند، از این رو

6. Symondr  
2. Louis Aragon



اعتقاد داشتند که هنرمند باید خلاقیت را با جریان سطح ناخودآگاه شخصیت همسو کرده و بدون رعایت چارچوب‌ها و قواعد سنتی هنر و ادبیات مطابق میل خود آنچه را می‌خواهد خلق کند. از نظر یرتون یگانه هدف سورئالیسم، همانا آشکار کردن امور غیرعقلانی و حیرت‌انگیز و خیالی است که آن را هم فقط از راه تعلیق مقاصد نرمال و هرگونه نظارت خود میسر است (پاکباز، ۱۴۰۱، ص ۳۱۵).

از نظر سورئالیست‌ها جهان واقعی مبتنی بر عادات و رفتارهای مبتدل و تکرارهای ملال‌آور است به همین جهت می‌کوشند تا مطابق با تصاویر شاعرانه آگاهی و ادراک‌شان را از واقعیت تازه نمایند. به اعتقاد ایشان باید حقیقت را در جهانی فراسوی واقعیت جستجو کرد. برای رسیدن به آن قلمرو ناشناخته نباید به جهان خودآگاه اکتفا کرده، و باید به جریانی ورود پیدا کرد که در آن عقل تعطیل و نیروهای ناشناخته درون فعال می‌شوند. این جریان که منبع شناخت روان به شمار می‌رود مانند دروازه‌هایی هستند که به جهان مجهول ماورای عقل و خودآگاه وارد می‌شوند. مفاهیمی چون ناخودآگاه، رؤیا، جنون، عشق، و خلسه از آن جمله هستند و در این جریان هنری سرچشمه‌های اصلی حقیقت به حساب می‌آیند.

#### ۴. خوانش آثار صمد قربان‌زاده

صمد قربان‌زاده عکاس معاصر متولد ۱۳۶۳ از ارومیه، کارشناس ارشد گرافیک از دانشگاه هنر تهران و کارشناس ارشد عکاسی از شورای ارزشیابی هنرمندان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. بیشتر آثار او پیرامون تعریف انسان شکل گرفته است. تعریفی که گاهی انسان را در زمان و مکان‌های بی‌نام و نشان قرار می‌دهد. انسان‌هایی درون جامعه و علیرغم چالش‌های فردی و اجتماعی که با آن درگیر هستند، تلاش دارند به تعریفی از انسانیت برسند. این هنرمند نگاهی آزاد و بی‌طرف به مضامینی چون مرگ، تنهایی، بی‌هویتی، از دست رفتن ایمان دارد. قربان‌زاده متأثر از روش سورئالیسم و با تکنیک عکاسی فتومونتاژ به خلق آثاری می‌پردازد که همانند بسیاری از هنرمندان دیگر سعی در به چالش کشیدن ماهیت وجودی انسان در نظام امروزی جهان دارد.

## ۱-۴. مجموعه خواب روزانه

در این مجموعه که دو اثر برای تحلیل در نظر گرفته شده، هنرمند پیکره انسانی را در مکان‌هایی ناشناس قرار داده که برهوتی بیش نیست و دنیایی از دست رفته را به مخاطب نشان می‌دهد. در این آثار زمان مشخص نیست و آنچه بازنمایی شده فارغ از زمان و مکان مشخص و شناخته شده است. این بی‌زمانی و بی‌مکانی به‌علاوه هندسه ساده در ترکیب‌بندی آثار، مخاطب را با راز و رمز درون اثر مواجه می‌کند. «اجرای ماهرانه آثار آنقدر مخاطب را به واقعیت نزدیک می‌کند که علی‌رغم یقین از تصویرسازانه بودن آن‌ها باعث می‌شود مخاطب به یک واقعیت ذهنی و ملموسی نزدیک شود و مثل پاندول ساعتی بین خیال و واقعیت در نوسان باشد» (رفاهی، ۱۳۹۲، ص ۱).

مجموعه خواب روزانه نگاهی ویژه به اشیایی دارد که خارج از نقش‌های صرفاً ابژکتیو آن‌ها به نظر می‌رسند. اشیاء به چیزی فراتر از خودشان تبدیل می‌شوند. هنرمند با این ابژه‌ها نقشی تازه می‌سازد و از این طریق در ارتباطی غیرعادی و فراواقعی با انسان قرار می‌گیرند. مفهوم تنهایی انسان و گم‌گشتگی او، بیشتر از هر چیز دیگر به چشم بیننده می‌آید.



تصویر ۱. بدون عنوان ۱۳۹۲-<https://heptagallery.com>



تصویر ۲. رؤیای روز ۱۳۹۲ - <https://sib.gallery>

(تصویر ۱) یک عکس فتومونتاژ با طیف رنگ خاکستری، یک ترکیب‌بندی ساکن است که از تقاطع خط افق (آسمان و زمین) و یک پیکره انسانی دست به به سینه و ایستاده درون بطری تشکیل شده است. هر چند در بیابان خطوط منحنی شکلی دیده می‌شود ولی محور ترکیب ایستا و غیرمتحرک است. در این تصویر سگی در پس‌زمینه دور می‌شود.

عنصر مورد تأکید در این تصویر ظرف شیشه‌ای است که انسان بالغی در آن پناه گرفته و سگی که شاید به نشانه وفاداری از آن محیط دور می‌شود. از دید روانکاوی فروید می‌توان ظرف شیشه‌ای را نماد زهدان مادر در نظر گرفت که کودک انسان در ابتدای راه زندگی در آن محافظت شده و در آن رشد می‌کند. در تصویر بیرون ظرف شیشه‌ای دنیایی نامعلوم و پر رمز و راز است، همچون وضعیتی که برای جنین انسان پس از تولد می‌توان متصور شد. بازنمایی هنرمند از دنیای بیرون قدری تاریک به نظر می‌رسد.

اتفاقی که در روایت تصویر در حال وقوع است بر اساس نوعی فعالیت و متناظر آن شکلی از ساز و کار دفاعی قابل تبیین است. بدین صورت که انسان نگران از مخاطرات زندگی و جامعه ترجیح می‌دهد به زهدان مادر بازگشت داشته باشد، تا در آن‌جا مورد حمایت و محافظت قرار گیرد. فروید می‌گوید: «نخستین تجربه اضطراب در اثر تولد رخ می‌دهد. نوزاد از رحم که جایی امن برای اوست جدا شده و وارد یک موقعیت نو و ناآشنا می‌شود.» (دادستان، ۱۴۰۱، ص ۴۷) سازوکار

بازگشت زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که فرد قادر نیست تا در شرایط موجود با محرومیت‌ها و فشارهای روانی مقابله کند. از نظر فروید «اگر موضوعی که نهاد را ارضا می‌کند در دسترس نباشد، فرد آن را با چیز دیگری جایگزین می‌کند... به این ترتیب نوعی تخلیه عواطف فروخورده با اهداف بی‌خطرتر ایجاد می‌شود.» (فروید، ۱۳۹۳، ص ۶۰) در این تصویر مفهوم این ساز و کار نوعی تحریف و تغییر رفتار به صورت بچگانه است که به امنیت و آرامش پیش از تولد ارجاع دارد.

در (تصویر ۲) مشابه اثر قبل بیشترین فضا به بیابان اختصاص یافته که بیحاصل، خشک و تاریک است. نقطه کانونی تصویر پسری است که در حال دویدن به سمت بیرون از کادر است. در سمت راست پسر، قفسی تیره قرار دارد که ابر سفیدی در آن محبوس شده است. می‌توان ابر را نماد خیال و خیال‌بافی فرد فرض کنیم که درون قفس جای گرفته و محبوس مانده است. اما در عین حال در نمادشناسی فروید ابر سفید به مسائل معنوی و اخلاقی دلالت دارد. بر این اساس می‌توان عنصر ابر را به منزله اخلاقیات و امور معنوی تفسیر کرد که پسر نوجوان آن را دریند کرده و از آن به سمت بیابانی تاریک و یا به عبارت دیگر آینده نامعلوم و سخت می‌گریزد. علاوه بر آن بیابان نماد احساس فقدان و تسلیم شدن است.

در سطوح شخصیتی فروید امور اخلاقی و معنوی به فراخود مربوط است. در این تصویر محبوس شدن اخلاقیات در قفس و فرار پسر، تعارض میان نهاد و فراخود را نشان می‌دهد. بنابراین در تبیین عناصر درون تصویر براساس شخصیت می‌توان گفت نهاد بر فراخود غلبه کرده و شاید در پی امیال گریزان است. به عبارت دیگر این گریز و لغزش ساز و کار مخفی‌سازی و انکار متناظر با فعالیت جایگزینی را نشان می‌دهد.

## ۲-۴. مجموعه موقعیت منجمد

در این مجموعه قربانزاده از آسمان و بیابان و ساختمان‌های نیمه‌ساز، مخروبه و شخصیت‌هایی منفعل که بیشتر پشت به مخاطب دارند استفاده کرده است. هنرمند در خصوص نمایش این مجموعه چنین توضیح می‌دهد: موقعیت منجمد روایتی است شخصی، از انگاره‌هایی که پس از گذشت سال‌ها در پس ذهن تبدیل به کابوس شده، و برای رهایی از آن‌ها راهی به جز به تصویر کشیدن نبوده است. این مجموعه

روایتی است آزاد از موقعیتی که در آن افراد همچون ناظرانی ناتوان، شاهدِ منفعل رخدادهایی باشند که دور و برشان، دور و نزدیک اتفاق افتاده و از شدت تشویش مسخ شده‌اند. قربان‌زاده در ادامه توضیح می‌دهد که معلوم نیست چقدر در رخ دادن این موقعیت‌ها سهمیم بوده‌ایم. موقعیت‌هایی منجمد که در آن‌ها تمام هستی در یک لحظه و در یک موقعیت منجمد مسخ شده است.<sup>۱</sup>



تصویر ۳. بدون عنوان ۱۳۹۴ - <https://mohsen.gallery>



تصویر ۴. بدون عنوان ۱۳۹۴ - <https://mohsen.gallery>

---

1. <https://mohsen.gallery/fa/series/frozen-situation>

در (تصویر ۳) ترکیب‌بندی قرینه شامل دو دیوار مخروطی است که در یک پرسپکتیو تک نقطه‌ای در مرکز کادر به هم نزدیک شده‌اند. در نزدیک‌ترین لایه‌ی تصویر در مقابل بیننده سه قفس پر از پرندگان محبوس روی زمین قرار دارد. در مرکز تصویر چند نفر در حال مشاهده دودی هستند که از پشت دیوار سمت راست به چشم می‌خورد. استفاده از خطوط هدایتگر پرسپکتیو دیوارها تأکیدی بر آن چند پیکره در مرکز تصویر دارد که از حادثه‌ی آتش‌سوزی و دود ناشی از آن در حیرت و یا ترس قرار گرفته‌اند.

کبوترهای در قفس واضح‌ترین نماد تنگنا و فقدان آزادی است و می‌تواند آینده‌ای باشد که امید انسانی چندان در آن راه به جایی نمی‌برد. از سوی دیگر در نمادشناسی فروید پرنده‌های در قفس، می‌تواند به ناخودآگاه فردی اشاره داشته باشد: افکاری که محبوس و سرکوب شده و توان حرکت و دستیابی به اهداف را از دست داده است. دود برخاسته شده از سمت راست دیوار می‌تواند نمادی از تعارضات سه بخش ذهن باشد. سه شخصیتی که به دود نگاه می‌کنند، می‌تواند نمادی از خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه باشد که با گفتگو، بحث و مجادله سعی در به تعادل رساندن این سه بخش دارند. مطابق با روانکاوی فروید مادامی که این سه بخش در هماهنگی نبوده و مطابق با اثر تصویر پرندگان محبوس در قفس، ناخودآگاه سرکوب شده و با توجه به این فقدان و سرکوب، دود نمادین از این تعارض از جهان ذهن افراد برخاسته است. در این تصویر ساز و کار دفاعی سرکوب متناظر با در قفس نگه داشتن ناخودآگاه است.

در ترکیب‌بندی (تصویر ۴) تعادل نامتقارن از ساختمان‌های نیمه‌ساز در طرف چپ کادر و جمعیت انسانی یک ساختمان کوچک مخروطی در سمت راست توسط یک لوله (شلنگ) که از پایین وارد شده کادر را به دو قسمت تقسیم می‌کند. اگر نمای این تصویر را به سه لایه تجزیه کنیم؛ لایه اول سطح زمین و شلنگ، لایه دوم و در مرکز کادر کودک بادکنک به دست، و لایه سوم جمعیت آدم‌ها و دودی که در اغلب آثار مجموعه موقعیت منجمد وجود دارد.

عنصر قابل تفسیر در لایه اول همان لوله یا شلنگ است که همچون ماری خزیده و تا نزدیک پای کودک بادکنک به دست آمده است. این شکل نسبت به حضور کودک متعرض است. مطابق

با نظر فروید این شکل متعرض همچون قضیب نسبت به کودک معصوم متعرض است. کودک به بادکنک سفید پناه برده و این شکل می‌تواند به عنوان نماد سینه مادر در نظر گرفته شود. آغوش و سینه مادر بعد از زهدان که اولین جایگاه انسان است، دومین مکان امن و آرامش کودک به حساب می‌آید. خانه‌های نیمه‌ساز و بدون سقف، بی‌پناهی افراد را در برابر ترس و تنش‌های محیطی را تبیین می‌کند. ازدحام آدم‌ها و جدا بودن کودک از آنها می‌تواند به عنوان نماد غربت فردی و حس متفاوت بودن افکار و باورها با سایرین باشد که منجر به تنهایی و طرد شدن و درک نشدن از سوی دیگران است. اتاقک قدیمی و فرسوده در تصویر نشان نماد یک محل امن قدیمی مثل مادر است. از نظر فروید «هنگامی که فرد در کسب تمایلات درونی با ناکامی مواجه می‌شود، از واقعیت تلخ موجود به سوی الگوهای رفتاری گذشته مراجعه می‌کند، یعنی دورانی که شرایط فرد بدون تلیخی و اضطراب بوده است.» (شولتز، ۱۴۰۲، ص ۶۷). در اینجا گویی شخصیت درون (تصویر ۴) که گویی با نیت ورود به اجتماع پیش آمده است، دوباره به تنها جای امن یعنی مادرش بازگشت می‌کند. در تجزیه و تحلیل و تفسیر چهار اثر مورد مطالعه از صمد قربان‌زاده، با عناصر و موقعیت‌هایی مواجه شدیم که وضعیت فرد را از نقطه نظر روانشناسی فروید درون اجتماع نشان می‌دهد. به طور خلاصه تفسیر نماد و تبیین فعالیت‌ها در جدول زیر آمده است:

جدول ۱. خلاصه تحلیل (نگارنده)

تصاویر مورد مطالعه	عناصر نمادین	مفهوم نماد	نوع فعالیت	نوع ساز و کار دفاعی
	بیابان خاکستری شیشه سگ	محیط و اجتماع زهدان مادر وفاداری، پشتیبانی	ممانعت از شرایط محرک	جایگزینی و بازگشت
	بیابان خاکستری ابر سفید در قفس فرار پسر	محیط و اجتماع اخلاقیات در حبس گریز از فراخود	مخفی سازی و انکار	جایگزینی و فرار
	بیابان خاکستری قفس پرندگان سه فرد در مرکز دود	محیط و اجتماع تنگنا و فقدان آزادی خودآگاه، نیمه خودآگاه و ناخودآگاه آسیب‌های اجتماعی	مخفی ساختن و از بین بردن	سرکوب
	بیابان خاکستری کودک بادکنک به دست لوله (شلنگ) خانه کوچک جمعیت دود	محیط و اجتماع تنهایی و معصومیت تعرض مادر افراد اجتماع آسیب‌های اجتماعی	ممانعت از شرایط محرک	جایگزینی و بازگشت

مأخذ: یافته‌های پژوهش



## ۵. نتیجه‌گیری

بر کسی پوشیده نیست که «هنر تجربه فرهنگی و هنرمند تسهیلگر این تجربه است.» (تقی‌زادگان، ۱۳۹۹، ص ۳) اگرچه تحلیل مفاهیم روانشناختی معضلات و مشکلات را به فرد و خصوصیات و ویژگی‌هایش فرو کاهش می‌دهد، اما در نهایت این شناخت به دنبال تبیین ساخت‌های اجتماعی پیش می‌رود. در واقع شناخت مفاهیم و ویژگی‌های عناصر در آثار هنری، جهانی‌بینی هنرمند و تا حدودی جامعه‌ای را توصیف می‌کند که هنرمند در آن زیسته است. متخصصین روانشناس ضمن مطالعه اختلال‌های رفتاری و انحراف‌های اجتماعی، به این نتیجه رسیده‌اند که ریشه بسیاری از اختلال‌ها و آسیب‌ها در ناتوانی افراد برای تحلیل صحیح مسائل شخصی، عدم احساس کنترل و کفایت هنگام رویارویی با موقعیت‌های دشوار و عدم آمادگی برای حل مشکلات و مسائل زندگی به شیوه مناسب است (مریدی، ۱۳۹۸، ص ۲۵).

اکثر ناقدان و نظریه‌پردازان معتقدند که معنا و مفهوم، زاده عناصر ناخودآگاه بوده و به همین دلیل کشف تمامی مفاهیم کاری دشوار به نظر می‌رسد. اما مسئله اینجاست که مفاهیم هم‌زاده خودآگاه و هم ناخودآگاه است. با روانکاوی فروید این نکته روشن می‌شود که مفاهیم به این دلیل تا حدودی قابل تبیین است که به آگاهی ارتباط و وابستگی دارد؛ و به این دلیل ناشناخته است که به ناخودآگاهی نیز وابستگی دارد. این نکته در مورد مفاهیم در رؤیا، خیال‌پردازی و اثر هنری نیز یکسری صادق است. در حالی که در خیال‌پردازی تصویر واقعیت مطرح می‌شود، در تحلیل مفهومی رؤیا زبانی نمادین از راه رمزگان به نسخه دیگری از واقعیت شکل می‌دهد و از این جهت کار رؤیا تا حدودی همانند کار اثر هنری است و ما هر دو را به گفته فروید تاویل می‌کنیم. بسیاری از هواداران فروید به این نکته پرداختند که هنر در نهایت گونه‌ای پالایش روان یا همخوانی با گفته مشهور ارسطو شکلی از کاتارسیس است.

از این‌رو در تحلیل مفاهیم آثار عکاسی با تکنیک فوتومونتاژ صمد قربان‌زاده، مخاطب با ترکیب‌بندی‌های خلاقانه مواجه است که حاصل بینش و اندیشه سازنده اثر از شرایط افراد انسانی در

جامعه معاصر بوده است. به کارگیری روش سورنالیسم در عکاسی فتومونتاژ، مفهوم اثر را از نمایش ابژه صرف فراتر می‌برد. از این رو درک ویژگی‌ها و مفاهیم روانشناسی، جذابیت آثار را دوچندان می‌کند. در چهار اثر مورد مطالعه بیابان متروک و خاکستری به صورتی نمادین، محیط و اجتماع معاصر را توضیح داده و انسان محاط در این فضا عمدتاً با سردرگمی، تنهایی، ترس، گناه، بی‌هویتی و... به تلخی دست و پنجه نرم می‌کند. انسان معاصر با تبیین‌های روانکاوانه با کمک ابزارهای ساز و کار دفاعی، و بیشتر در پی بازگشت به مکان امن کودکی و جایگزین کردن دوران کودکی به جای موقعیت کنونی در دوران بزرگسالی و اجتماع است.

در این میان مخاطبان هنر با درک و ارتباط با اثر هنری نیز در زنجیره و فرایند خلق هنر سهیم هستند. هنرمند و مخاطب در ارتباط با یکدیگر به صورتی اثر بخش، تجربه فرهنگی را آزموده و به شناخت می‌رسند. این امر نه تنها در جهت رفع معضلات روانشناختی فردی موثر است، بلکه در جهت بهبود ساخت اجتماعی به دور از آسیب‌های آن گام برمی‌دارد.

## منابع

- اسنودن، روث (۱۴۰۱). *خودآموز فروید*، ترجمه نورالدین رحمانیان، تهران: آشیان.
- پاکباز، رویین (۱۴۰۱). *دایره المعارف هنر*، تهران: فرهنگ معاصر.
- تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۹۹). *نقش فرهنگ و هنر در کاهش آسیب‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- دادستان، پریوخ (۱۴۰۱). *روانشناسی مرضی تحولی، جلد اول: از کودکی تا بزرگسالی*. تهران: سمت.
- دوونینو، ژان (۱۳۹۷). *جامعه‌شناسی هنر*، ترجمه مهدی سهایی. تهران: مرکز.
- شارف، ریچارد (۱۳۸۱). *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*، ترجمه مهرداد نیرو بخت. تهران: آگاه.
- شولتز، دوان پی و سیدنی ان شولتز (۱۴۰۲). *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: ویرایش.
- فروید، آنا (۱۴۰۰). *من و ساز و کارهای دفاعی*، ترجمه محمد علی‌خواه. تهران: نشر مرکز.
- فروید، زیگموند (۱۳۹۴). *ایگو و اید (من و نهاد)*، ترجمه امین پاشا صمدیان. تهران: پندار تابان.
- فروید، زیگموند (۱۴۰۰). *تاریخ روانکاوی*، ترجمه سعید شجاع شفتی. تهران: ققنوس.
- فروید، زیگموند (۱۴۰۱). *روانشناسی تحلیلی*، ترجمه ابوالحسن گونیلی. تهران: جامی.
- فروید، زیگموند (۱۳۹۳). *روانکاوی و زندگی من به همراه توت‌م پرستی*، ترجمه محمود نوایی و محمد علی خنجی. تهران: جامی.
- فروید، زیگموند (۱۳۹۴). *رؤیا*، ترجمه شاهرخ علیمرادیان. تهران: هاشمی.
- ماتسن تامسون، جیمز (۱۳۹۲). *نظریه‌های هنری قرن بیستم*، ترجمه داوود طبایی. تهران: افکار.
- مَدِر، جرج (۱۴۰۲). *روانشناسی هنر*، ترجمه سهندسلطان‌دوست. تهران: ققنوس.
- مریدی، محمدرضا (۱۳۹۸). *هنر اجتماعی: مقالاتی در جامعه‌شناسی هنر معاصر ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
- رفاهی، هدی (۱۳۹۲). «یادداشتی بر مجموعه خواب روزانه»، *مجله چیدمان*. سال دوم، شماره ۲. صص ۱-۲.

# **Conceptual Analysis of of Samad Ghorbanzadeh Photographs based on Freud's Opinions**

**Firoozeh Sheibani Rezvani**

Assistant Professor of Art Department, Islamshahr Branch,  
Islamic Azad University, Islamshahr, Iran.

sheibani@iaau.ac.ir

This research tries to analyze and scrutinize four selected works of photography by Samad Ghorbanzadeh, a contemporary Iranian photographer, based on the concepts and opinions derived from Freud's psychology. The method of this research qualitatively describes and analyzes the case of the artwork based on data obtained from library and internet information. The reason for choosing Samad Ghorbanzadeh's works is his surrealism approach in photography, which is able to be read and analyzed by relying on concepts such as unconscious mind, dream, and defense mechanism in Freud's psychological approach. Although psychological analysis reduces the problems to the individual and his characteristics, but ultimately this understanding seeks to explain social constructions. These works are inspired by topics such as loneliness, absence of identity, loss of faith and ultimately death, which somehow involve humans and societies and challenge the nature of human existence in today's world system. In the psychological reading of the works in question, the audience, while having a new experience of encountering the work of art, gets to understand and recognize the content of the work and the symbolic connection of artistic elements with individual and collective injuries.

Keywords: Conceptual Analysis, Sigmund Freud, Surrealism, Samad Ghorbanzadeh, Photography